

## بررسی جامعه‌شناختی زبانهنگ مدرک‌ستایی و کاربرد گفتمانی آن در زبان فارسی

فائزه پوریزدان‌پناه کرمانی\* (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

### چکیده

بها دادن به مدرک تحصیلی و تلاش برای کسب مدارج عالی در جوامع کنونی یکی از دغدغه‌های افراد به‌شمار می‌آید و این امر تا بدان‌جا پیش می‌رود که در برخی موارد منجر به ستایش مدرک تحصیلی (مدرک‌ستایی) می‌شود. مهم‌دانستن تحصیلات دانشگاهی موجب شده که عدۀ زیادی از مردم به آن اهمیت داده و کسب مدرک را جزو امتیازاتی برای خود بدانند که آدمی را به اهداف موردنظر خود نظیر ارتقای جایگاه شغلی و اجتماعی می‌رساند. همچنین، داشتن مدرک تحصیلی یکی از راه‌های سهولت در امر ازدواج، راضی نگه داشتن اطرافیان از داشتن تحصیلات بالا اعم از والدین و غیره است. بی‌تردید، در انتخاب شغل مورد علاقه مدرک تحصیلی و مهارت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند که در این پژوهش نگارنده بر این تلاش بوده به گفتمان‌هایی از زبان فارسی در رابطه با مدرک‌ستایی بپردازد که در میان اقشار مختلف جامعه رواج داشته است و از جوان تا میانسال با آن درگیر خواهند بود. در همین راستا به معرفی واژه زبانهنگ (زبان + فرهنگ) پرداخته می‌شود. زبانهنگ، ترکیبی از زبان و فرهنگ است که با تأکید بر رابطه دو سویه میان زبان و فرهنگ، نما و شمای فرهنگی یک جامعه را نشان می‌دهد و با بررسی آن‌ها می‌توان به فرهنگ‌های مستتر و پنهانی یک فرهنگ دست یافت. نگارنده بر این تلاش بوده است زبانهنگ مدرک‌ستایی در گفتمان‌های زبان فارسی را در چارچوب الگوی SPEAKING هایمز مورد بررسی قرار دهد. بدین‌منظور، ۱۵۰ گفتمان از گفتگوهای افراد با توجه به وضعیت اقتصادی، سن آنان، تحصیلاتشان، شاغل بودن یا محصل بودنشان بررسی و کنکاش شد که این مکالمات در مکان‌های عمومی، خصوصی، رسمی و غیررسمی با گویشوران زن

\* نویسنده مسئول Faeze.pouryazdan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

(۹۵) نفر و مرد (۵۵) نفر و نمایندگانی از استان‌های خراسان رضوی (مشهد، نیشابور و سبزوار)، گلستان (گرگان)، خراسان جنوبی (طبس)، کرمان (سیرجان)، آذربایجان شرقی (تبریز) و تهران (پاکدشت) صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که افراد در فرهنگ ایران با اهدافی نظیر کسب علم به معنای واقعی، پزدادن، رقابت، کسب جایگاه اجتماعی و شغل بهتر، محترم دانسته شدن و تأیید شدن توسط افراد دیگر، سهولت در امر ازدواج و غیره از زیاهنگ مدرک‌ستایی استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که گاه میان مدرک تحصیلی و مهارت تقابل پیش می‌آید اما در نهایت هر دو مکمل یکدیگرند. بنابراین، فرهنگ سالم ایجاب می‌کند هر دو مفهوم مذکور در کنار یکدیگر موجب موفقیت فرد شوند و باید از آن‌ها در کنار یکدیگر و در راه شکوفایی تفکر سالم، ایده‌های بهتر و زندگی آگاهانه‌تر بهره جست.

**کلیدواژه‌ها:** زیاهنگ، مدرک‌ستایی، مهارت، الگوی SPEAKING هایمز

#### ۱. مقدمه

فرهنگ مشتقی از دو واژه فر+هنگ است که فر، پیشوند+هنگ از ریشه اوستایی به معنای کشیدن و فرهختن است. این واژه در لغت‌نامه دهخدا نیز به معنای تعلیم و تربیت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳). اهمیت فرهنگ در ارتباطات از آنجایی مشخص می‌شود که افراد در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر تمایل دارند تفاوت‌ها را بروز دهند و از شباهت‌های بین فرهنگی چشم‌پوشی کنند و مفهوم فرهنگ در ارتباطات این افراد با یکدیگر نمایان می‌شود. یکی از دلایلی که باعث می‌شود فرهنگ‌ها از جهتی با یکدیگر مقایسه شوند، مطالعه اصولی است که در فرهنگ نمایان می‌شود (یوسف‌زاده اربط، ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه زبان خود به تنهایی دارای اهمیت است، اهمیت آن در کنار تعریف فرهنگ نیز نمایان می‌شود؛ زیرا زبان برای ارتباط‌گیری و فهم فرهنگ‌ها عنصری کلیدی است. یکی از مفاهیم و ابزار کلیدی برای درک فرهنگ‌ها، زبان است که با یادگیری آن ارتباط بین فرهنگ‌ها را درک می‌کنیم. به این صورت که اگر زبان

را فرا نگرفته باشیم برای ارتباط به مشکل بر می‌خوریم و در نتیجه در انجام وظایف خود موفق نبوده و شکست خواهیم خورد (یوسف‌زاده اربط، ۱۳۹۵). «ریچاردز و اشمیت<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) معتقدند گاهی مفهوم یک فرهنگ و زبان با هم ترکیب شده و گفتمانی را تشکیل می‌دهند که شامل نحوه صحبت کردن و رفتار کردن افراد یک جامعه می‌باشد و بازتاب هویت اجتماعی آن‌هاست» (پیش‌قدم و نوروزکرمانشاهی، ۱۳۹۲، ص. ۲). «لیکاف<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) اذعان می‌دارد زبان تبلور فرهنگ مردم یک جامعه می‌باشد» (پیش‌قدم و نوروزکرمانشاهی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). بنابراین، مهم‌ترین ویژگی که اثر مستقیم بر شخصیت فرد دارد، داشتن فرهنگی است که در آن پرورش یافته و نحوه تعامل وی است.

یوسف‌زاده اربط (۱۳۹۵) معتقد است گذر از ساختارهای فرهنگی که از ابتدا انسان با آن‌ها رشد کرده اگرچه دشوار است، اثر خود را بر نحوه تعاملات فرد می‌گذارد. «به عقیده ورف<sup>۳</sup> مردم نه تنها در دنیای پیرامون و زندگی اجتماعی بلکه در دنیای زبان مادری خویش زندگی می‌کنند» (کوندراتف، ۱۳۶۳، ص. ۷۷). «در هر زبان علاوه بر اصطلاحات، نقطه‌نظرها و پیش‌فرض‌هایی وجود دارد که در زبان‌های مختلف دنیا ممکن است وجود نداشته یا در صورت وجود متفاوت باشند. بنابراین، زبان علاوه بر اینکه نقش انتقال‌دهنده اطلاعات را ایفا می‌کند، می‌تواند دنیا را مدل‌سازی کرده و از درون منشور خاص خود عبور دهد» (معینان، ۱۳۹۲، ص. ۹۱).

با مقایسه زبان‌های مختلف می‌توان به تفاوت‌های موجود در میان آن‌ها پی برد. این تمایزات می‌تواند مربوط به ساختمان‌های دستوری متفاوت یا عدم تطابق کامل دامنه اطلاق واژه‌ها در دو زبان یا ناشی از اختلاف فرهنگ و تمدن و عادات و رسوم دو قومی که به آن دو زبان مختلف سخن می‌گویند، باشد. اختلاف ساختمان دستوری زبان‌ها و عدم تطابق کامل دامنه اطلاق واژه‌های آن‌ها بحثی را در زبان‌شناسی مطرح

1. Richards & Schmitt

2. Lakoff

3. Whorf

کرده است که به آن «نسبیت در زبان»<sup>۱</sup> می‌گویند. هدف اصلی نظریه نسبیت زبانی این است که بعضی از خصوصیات زبانی برخی از شیوه‌های ادراک را غالب‌تر یا محتمل‌تر می‌کنند (معینان، ۱۳۹۲، ص. ۷۷).

در راستای نظریه نسبیت در زبان سپیرو-ورف<sup>۲</sup> (۱۹۵۶) که فرهنگ زبان را تولید می‌کند و زبان اندیشه را می‌سازد، با در نظر گرفتن ارتباط میان فرهنگ و زبان، در ساده‌ترین حالت زبان به مردم این امکان را می‌دهد که افکار و احساسات‌شان را بروز دهند و با دیگران ارتباط برقرار کنند و دانش و اطلاعات‌شان را با دیگران با اشتراک بگذارند (پیش‌قدم و قهاری، ۲۰۱۲). با این حالت زمانی که فرهنگ یک کشور را ندانیم، نمی‌توانیم زبان را به‌طور کامل بیاموزیم. براساس رابطه میان زبان و فرهنگ مفهوم زبانهنگ<sup>۳</sup> (زبان+فرهنگ) توسط پیش‌قدم (۱۳۹۱) مطرح شده است. «زبانهنگ‌های یک زبان ساختارها و عباراتی هستند که با تأکید بر رابطه دو سویه میان زبان و فرهنگ، نمای فرهنگی مردم یک جامعه را نشان می‌دهند و با بررسی آن‌ها می‌توان به فرهنگ مستتر و پنهانی آن زبان دست یافت» (پیش‌قدم، ۱۳۹۱، ص. ۴۶). زبانهنگ‌های متفاوتی در ارتباطات و گفتمان‌های جامعه وجود دارد که مناسب برای واکاوی زبان و فرهنگ آن جامعه می‌باشد. زبانهنگ، تحلیل فرهنگی از زبان را در نظر دارد و رفتارهای سالم و ناسالم افراد جامعه در این تحلیل‌های فرهنگی جای می‌گیرد.

از طریق بررسی زبانهنگ می‌توان به عادات خوب و بد مردم پی برد و ژن‌های «بدفرهنگی» آنان را اصلاح کرده و به «به‌فرهنگی»<sup>۴</sup> دست یافت. یکی از مسائلی که می‌توان امروزه در قالب زبانهنگ مد نظر قرار داد، مدرک‌ستایی و ستایش مدرک تحصیلی می‌باشد؛ بدین معنا که افراد آنچنان به مدرک تحصیلی اهمیت می‌دهند که آن را در زندگانی خود بارها ستایش می‌کنند.

- 
1. linguistic relativity
  2. Sapir-Whorf hypothesis
  3. cultuling
  4. euculturing

در جوامع امروزه افراد در سه گروه متفاوت به مدرک تحصیلی و مهارت اهمیت می‌دهند. گروه اول، مدرک تحصیلی را مهم‌تر از مهارت می‌دانند و معتقدند مراکز و شرکت‌هایی وجود دارد که در استخدام شدن به مدرک تحصیلی اهمیت زیادی داده و به دست آوردن مهارت را در راستای به دست آوردن شغل به واسطه مدرک تحصیلی بالا می‌دانند. همچنین معتقدند داشتن مدرک تحصیلی بالا ارتقای جایگاه شغلی می‌آورد و حقوق و دستمزد بیشتر را به همراه دارد. این افراد عقیده دارند که از طریق علم مهارت به دست می‌آید. این گروه معتقدند مهارت بدون داشتن علم کارایی کافی ندارد. اهمیت مدرک آنجا معلوم می‌شود که مهارت را بعدها هم می‌توان فرا گرفت اما تحصیل را به موقع باید فرا گرفت، به این دلیل که گاهی در سنین بالاتر ذهن یاری نمی‌کند؛ همچنین، در سنین میانسالی تحصیل برای اکثر افراد در ظرف حوصله نمی‌گنجد. گروه دوم معتقدند مهارت از جایگاه بالاتری در جوامع برخوردار است. آن‌ها استعداد فرد را در نظر دارند و بی‌نیازی جوامع امروزی را در گرو مهارت و کار عملی می‌دانند. این گروه معتقدند به دلیل اینکه وضعیت استخدام رو به افول است، این مهارت است که می‌تواند کارگشا باشد. افزون بر این دو گروه، عده‌ای نیز معتقدند مدرک تحصیلی و مهارت هر دو در کنار یکدیگر کارایی ویژه خودشان را دارند؛ زیرا استعداد در کنار علم کافی جلوه بهتری دارد.

در کشورهای موفق در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای مانند آلمان، نروژ، چین، ایتالیا و هلند، بر دانش حرفه‌ای تأکید می‌شود (شاکری، برزگر و جمشیدی، ۱۳۹۸). جامعه ایران در چند دهه گذشته تحولات اجتماعی فرهنگی خطیری را سپری کرده است. یکی از مهم‌ترین تحولات گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون است که یکی از پیامدهای آن افزایش ورود دختران و کاهش نسبی ورود پسران به دانشگاه می‌باشد که در چند سال اخیر توجه صاحب‌نظران اجتماعی و مسئولان کشوری را به خود جلب کرده است (ظهیری‌نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱). با توجه به موارد اشاره‌شده، هدف از پژوهش حاضر بررسی گفتمان‌های مختلفی در اجتماع است که

در بافت‌های گوناگون از زیاهنگ مدرک‌ستایی استفاده می‌کنند. بنابراین، در بررسی این زیاهنگ پرسش‌های زیر مطرح است:

۱. گفتمان‌های اجتماعی چگونه تحت تأثیر زیاهنگ مدرک‌ستایی قرار می‌گیرند؟

۲. زیاهنگ مدرک‌ستایی با چه اهدافی در جامعه ایران رواج دارد؟

به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها از الگوی SPEAKING هایمز<sup>۱</sup> استفاده شده است تا افزون بر پرسش‌های اشاره شده مشخص شود که زیاهنگ مذکور توسط چه افرادی و در چه موقعیت‌های زمانی و مکانی کاربرد دارد و این زیاهنگ نشان‌دهنده کدام ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان است.

## ۲. پیشینه پژوهش

پیش‌قدم (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با نام «معرفی زیاهنگ به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در «فرهنگ‌کاوی زبان»<sup>۲</sup> نخستین‌بار مفهوم زیاهنگ را عنوان کرده و در آن پژوهش زیاهنگ‌هایی مانند فردیت‌پرهیزی، مسئولیت‌گریزی، صراحت‌گریزی و غیره را معرفی کرده است. در تعریف زیاهنگ فردیت‌پرهیزی زبان‌شناسانی مانند چامسکی<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) زبان‌ها را به دو گروه فاعل‌انداز و فاعل‌نیانداز تقسیم می‌کنند. زیاهنگ مسئولیت‌گریزی و بررسی‌جملاتی مانند پام شکست، میل ایرانیان به برعهده نگرفتن مسئولیت خویش را نشان می‌دهد. در زیاهنگ صراحت‌گریزی با بررسی مکالمه‌هایی از زبان انگلیسی و فارسی نتایج نشان داد ایرانیان علاقه زیادی به صریح و مستقیم صحبت کردن ندارند و ترجیح می‌دهند با تعارف جواب بدهند در حالی که انگلیسی‌زبانان صریح سخن گفتن را ارجح می‌دانند. پس از این پژوهش زیاهنگ‌های بسیاری توسط پژوهشگران مد نظر قرار گرفته‌اند.

پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (۱۳۹۲) ارتباط میان زبان، فرهنگ و مذهب را مورد بررسی قرار داده و به کار بردن لقب حاجی را در گفتمان‌های فارسی واکاوی

1. Hymes

2. culturology of language

3. Chomsky

کرده‌اند. آنان معتقدند لقب حاجی در گذشته در جایگاه مذهبی کاربرد داشته است، اما امروزه در گفتمان‌های دیگر مانند گفتمان‌های غیرمذهبی کاربرد دارد و نشان‌دهنده این است که ذهنیت افراد نسبت به این لقب از گذشته تاکنون تغییر کرده است. با توجه به واژه حاجی، این لقب را می‌توان امروزه در بافت‌های ارزشی و غیرارزشی مشاهده کرد. در این پژوهش لقب حاجی در به‌کار بردن دچار تغییر شده و این تغییر ناشی از تحت تأثیر قرار گرفتن رسانه‌ها می‌باشد که این لقب را دچار دگرگونی کرده است.

در پژوهشی کنش گفتاری قسم در فرهنگ فارسی (پیش‌قدم و عطاران، ۱۳۹۲) با توجه الگوی هایمز در هشت تقسیم‌بندی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در کنش گفتاری قسم، واژه مذکور نشان‌دهنده اعتقادات مذهبی گوینده است که با واژه‌های «به‌خدا، به‌قرآن» نمایان می‌شود. این دو واژه در فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان نسبت به فرهنگ فردگرایی غربیان کاربرد بیشتری دارد. در واقع ایرانیان برای اینکه اعتماد فرد مقابل را به‌دست آورند و امور خود را مستحکم جلوه دهند، از قسم استفاده می‌کنند. در جوامع غربی اعضای خانواده و زمان و مکان و... مرجع قسم قرار نمی‌گیرند ولی بر خلاف آن در زبان فارسی این‌گونه است و این امر دو دلیل دارد: ۱. چون جامعه ایران از مسلمانان تشکیل شده است و قسم در قرآن زیاد یاد شده است، بنابراین، قسم رابطه مستقیم با مذهب دارد؛ ۲. چون خداوند لایتناهی است و موجودات و مخلوقات همه آفریده او هستند پس نزد مسلمانان قسم خوردن ارزش پیدا می‌کند.

در باب پژوهش کنش گفتار نفرین در زبان‌های انگلیسی و فارسی، پیش‌قدم، وحیدنیا و فیروزیان پورا صفهانی (۱۳۹۳) نشان دادند که این کنش گفتار در زندگی روزمره کاربرد بسیاری داشته و شرکت‌کنندگان در این گفتمان به تفکیک جنسیت (زن و مرد) در چهار موقعیت هم‌تراز و غریبه، هم‌تراز و آشنا، نابرابر و غریبه، نابرابر و آشنا قرار می‌گیرند. بررسی ارتباط جنسیت و کنش گفتار نفرین نشان داد که این کنش گفتار در بین زنان بیشتر از مردان متداول است به این دلیل که زنان بیشتر از

مردان به بیان مشکلات و بیان تجربیات به صورت گفتاری می‌پردازند که با اهدافی نظیر فرو نشانیدن خشم، بیان عجز و درماندگی، توهین و غیره بیان می‌شود. در این پژوهش نتایج نشان می‌دهد افزایش به‌کار بردن نفرین با اعتقادات مذهبی در یک ردیف نیست به این دلیل که نفرین کردن در اسلام ناپسند شمرده شده است و در مقابل، زبان انگلیسی فاقد چنین کنشی است. نتایج نشان‌دهنده این است که جوامع جمع‌گرای ایرانی که به نسبت تمایل بیشتری به برقراری ارتباط دارند، بیشتر از نفرین استفاده می‌کنند. اما در غرب به دلیل فردگرایی و نشان ندادن افکار شخصی خود، کمتر به استفاده از نفرین می‌پردازند و در مقایسه این دو زبان باید گفت انگلیسی‌ها هنگام عصبانیت صراحت کلام بیشتری دارند اما ایرانیان هنگام خشم سخن خود را در لفافه بیان می‌کنند.

پیش‌قدم و وحیدنیا (۱۳۹۴) به مقایسه دعا در فیلم‌های ایرانی و انگلیسی در قالب الگوی هایمز پرداخته‌اند و معتقدند دعا در فیلم‌های انگلیسی با اهدافی مانند آرزوی سلامتی، آرزوی خیر، طلب مغفرت و غیره به‌کار می‌رود. از آنجایی که ایرانیان با انگیزه و نیت تشکر، دعای خیر می‌کنند این امر نشان‌دهنده قدردان بودن آن‌هاست. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته باید بیان کرد شرقی‌ها در به‌کار بردن دعا به روحیه جمع‌گرایی اهمیت می‌دهند، بنابراین در حق یکدیگر دعا می‌کنند اما غربی‌ها به روحیه فردگرایی تمایل دارند و در مکالمات پیام‌های خود را واضح و صریح بیان می‌کنند. ضمن اینکه ایرانیان با توجه به اعتقادات خود دعا کردن را نوعی ارزش و احترام دانسته و از آن بهره می‌جویند.

در پژوهشی دیگر پیش‌قدم و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۶) به بررسی زیاهنگ «نمی‌دانم» در پرتوی الگوی هایمز پرداخته‌اند و معتقدند این زیاهنگ با اهدافی مانند اجتناب از صراحت، اجتناب از قبول مسئولیت، نشان‌دادن عدم اطمینان، همچنین نشان‌دادن عدم برخورداری از دانش و اطلاعات مورد نیاز به‌کار می‌رود که در مقایسه با زبان انگلیسی مواردی نظیر اعلام ناتوانی در فراهم کردن اطلاعات درخواستی، پرهیز



از قضاوت و همچنین پرهیز از مخالفت صریح و غیره انگیزه‌هایی است که در این زیاهنگ به کار می‌رود.

واکاوی عبارت ناز کردن و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی در پرتوی الگوی هیجامد توسط پیش‌قدم، فیروزیان پوراصفهانی و طباطبایی فارانی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که زیاهنگ ناز کردن به شدت در سطوح بالایی از هیجامد قرار دارد؛ یعنی حس و هیجان افراد جامعه ایران نسبت به آن زیاد است و این زیاهنگ با بسامد بالایی در جامعه ایرانی رواج دارد. نتایج این پژوهش نشان داد زیاهنگ ناز کردن در موقعیت‌های رسمی کاربرد محدودی به نسبت موقعیت‌های غیررسمی دارد. این زیاهنگ دارای اهدافی مانند حفظ معیارهای ادب، رد کردن درخواست و غیره با لحن مشخص تحسین‌آمیز، توصیفی، غرورآمیز و شوخی و غیره و همچنین ابزار گفتاری و قوانینی که بیانگر عواطف و احساسات افراد و نشانگر زیبایی و لطافت است.

پژوهشی با موضوع بررسی زیاهنگ بلاتکلیف‌شدگی با استفاده از عبارات تقابلی دوگانه در پرتوی الگوی هایمز توسط پیش‌قدم و ابراهیمی (در حال چاپ) انجام شده است که نشان می‌دهد زیاهنگ بلاتکلیف‌شدگی دارای اهدافی مانند ناز کردن، عدم اطمینان، مسئولیت‌گریزی و غیره است و در بافت‌های عمومی و خصوصی و رسمی و غیررسمی مورد بررسی است. در این پژوهش نتایج بر آن است که عبارات تقابلی دوگانه همانند نمی‌دانم این کار را انجام دهم یا ندهم، آیا ازدواج کنم یا نکنم و... توسط افرادی به کار می‌رود که انجام کار برای آنان استرس‌زا و همچنین مخاطره‌آمیز باشد و این بلاتکلیفی فرصت فکر کردن را از آنان بگیرد و آرامش را از بین ببرد. در نهایت فرد به دلیل ماندن در این شرایط به یک طرف متمایل شده و در حالت تعلیق می‌ماند و دچار پریشانی و مردد شدن می‌شود. به نظر می‌رسد جامعه ایران به دلیل در نظر گرفتن صلاح افراد در بیان نظر خود توقف کرده و مصلحت گفتن جمله را در نظر می‌گیرند و در بیان عقیده خود نظر جمع را حائز اهمیت می‌دانند. در پژوهش پیش‌قدم، درخشان، جتئی عطایی (۱۳۹۹) زیاهنگ زن‌سالاری و مردسالاری در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ بررسی شده و کاربردهای زیاهنگ مردسالاری و زیاهنگ

زن‌سالاری برشمرده شده است. با بررسی فیلم‌های دهه ۱۳۶۰ اهداف زیاهنگ مردسالاری به موارد تهدید، زورگویی، عصبانیت، فخرفرشی و غیره تعلق گرفته و با بررسی فیلم‌های دهه ۱۳۹۰ اهداف به‌کارگیری زیاهنگ زن‌سالاری به موارد شکایت کردن، غر زدن، کنایه زدن، جلب توجه کردن و غیره است که با لحن‌هایی از قبیل تهدیدآمیز، متکبرانه، دلسوزانه و غیره به‌کار می‌رود. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد هنجارهای گفتمان مردسالاری شروع کردن گفتگو، قدرت‌گرایی، مردنگری، قطع کلام زن و غیره را در بر می‌گیرد. در مقابل، هنجارهای گفتمان زن‌سالاری، غر زدن، قطع کلام شوهر، پرخاش کردن و... را شامل می‌شود. به‌نظر می‌رسد زیاهنگ‌های مردسالاری در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰ کمتر شده و رفته‌رفته جای خود را به زیاهنگ زن‌سالاری داده است. در جامعه کنونی این‌گونه به‌نظر می‌رسد که از زن‌سالاری به کودک‌سالاری پیش می‌رویم و تسلط کودکان به والدین بیش از پیش مشاهده می‌شود.

در پژوهشی دیگر از زیاهنگ پیش‌قدم، فیروزیان پوراصفهانی و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۹) به گفتمان شناسی واژه مرگ پرداخته‌اند و اذعان دارند که ایرانیان بیشتر مرگ‌اندیش و مرگ‌طلب هستند و کمتر به شادی و زندگی می‌اندیشند. بعضی افراد معتقدند نوع نگرش به مرگ، بسته به مکان، زمان، فرهنگ، جهان‌بینی و نوع باور هر انسان نسبت به دیگری متفاوت است. زیاهنگ مرگ‌محوری در موقعیت‌های غیررسمی از نوع هم‌تراز بیشتر از موقعیت‌های رسمی کاربرد دارد و همچنین اهدافی نظیر نفرین، دعا، توهین، بیان احساسات و... را در نظر دارد که با لحن‌های خشونت و توهین‌آمیز و محبت‌آمیز و غیره به‌کار می‌رود. ابزار این گفتمان درحالت گفتاری بیشترین کاربرد را دارد و در بیان قوانین گفتمان باید بیان کرد شادی‌گریزی ایرانیان و مرگ‌اندیش بودن و عادت مرده‌پرستی باعث شده تا کمتر به آغاز و زندگی فکر کنند و این نوع زیاهنگ را در انواع گفتمان شعر، نثر، ضرب‌المثل و غیره می‌توان یافت. نتایج حاصل از گفتمان‌شناسی مرگ و عبارات زبانی هم‌معنا علاوه بر اینکه گسترش این قطعه زبانی را در موقعیت‌های مختلف بیان می‌کند، فلسفه ممات و مرگ را پررنگ‌تر از حیات و زندگی در تولیدات زبانی می‌داند.

نگاهی کلی به این دست از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی و زیاهنگ تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است اما تاکنون بررسی زیاهنگ مدرک‌ستایی مغفول مانده که پژوهش حاضر تلاش می‌کند به بررسی این زیاهنگ در بافت‌های موقعیتی زبان فارسی بپردازد.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

#### الف. مفهوم زیاهنگ

همان‌گونه که ذکر شد، مفهوم زیاهنگ نخستین بار توسط پیش‌قدم (۱۳۹۱) مطرح شده است. وی همانند پیازنه<sup>۱</sup> زبان را محصول فرعی توانایی‌های فکری انسان می‌داند و با توجه به تفکرات ویگوتسکی<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) که تفکر را همگام و همسو با تولید زبان می‌داند، معتقد است انسان با زبان می‌اندیشد و بدون زبان تفکر ممکن نیست. بنابراین، هرچه این واسطه ظریف‌تر و دقیق‌تر باشد اندیشه نیز به همان میزان دقیق‌تر می‌شود. وی اذعان می‌دارد هنگامی که زیاهنگ‌ها بررسی و کشف شوند، می‌توان به فرهنگ پنهانی و مستتر جامعه پی برد. «زیاهنگ‌ها در طول تاریخ در زبان مادری ایجاد شده و هر کدام ممکن است در بستر اجتماع خط‌مشی فکری و روانی خاصی ایجاد نموده باشند» (پیش‌قدم، ۱۳۹۱، ص. ۵۳). دلیل نام‌گذاری زیاهنگ به این نام به گفته پیش‌قدم (۱۳۹۱) این است که زیاهنگ به معنای نمایش فرهنگی از یک زبان است و علم بررسی آن «فرهنگ کاوی» نامیده می‌شود. با بررسی‌های صورت‌گرفته در عبارات زبانی نحوه خردورزی و فرهنگ فکری افراد یک کشور مشخص می‌شود و همچنین فرهنگ درست و غلط آنان در خصوص مفاهیم زبانی آشکار می‌شود.

#### ۴. ۲. الگوی SPEAKING هایمز

الگوی هایمز (۱۹۶۷) گفتمان‌های مختلف را مورد واکاوی قرار داده و عوامل مؤثر بر تعامل میان افراد را بررسی می‌نماید (پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی، ۱۳۹۲).

1. Piaget  
2. Vygotsky

هایمز (۱۹۷۲، ص. ۲۷۷) «با بسط زبانی، صحت یک صورت زبانی را تنها به صورت دستوری کافی ندانسته بلکه کاربرد صحیح آن را در چارچوب قوانین و قراردادهای اجتماعی و فرهنگی نیز ضروری می‌داند. این روش بررسی و توصیف کاربرد صورت های زبانی و توانش ارتباطی<sup>۱</sup> روش قوم‌نگاری ارتباط<sup>۲</sup> نام گرفته است. در چارچوب این روش، واحد بررسی و تحلیل زبان تنها جمله نیست، بلکه رویداد گفتاری است. رویداد گفتاری یک تعامل اجتماعی است که در آن زبان نقشی عمده ایفا می‌کند». این مدل چندوجهی است و کارکردهای اجتماعی واژگان را در موقعیت‌های زمانی و مکانی، با اهداف مشخص، ترتیب عملکرد و ابزار و قوانین گفتمان با تصویر دقیقی و مبتنی بر واقعیت ارائه می‌دهد (پیش‌قدم، فیروزیان پوراصفهانی و طباطبایی فارانی، ۱۳۹۶). در واقع این الگو به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که تعامل میان افراد و حتی پرسش‌های مطرح‌شده توسط دیگران را مد نظر قرار دهد و بررسی می‌کند فرد در چه موقعیتی با چه هدفی، در چه نوعی و با چه لحن مشخصی سخنان خود را ارائه می‌دهد. این عوامل براساس مدل مطرح‌شده به ۸ گروه به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

۴. ۲. ۱. **موقعیت زمانی و مکانی**<sup>۳</sup>: «به زمان و مکانی که گفتمان در آن شکل می‌گیرد و به‌طور کلی به موقعیت فیزیکی هر گفتمان اشاره دارد» (هایمز، ۱۹۶۷، ص. ۴۱). با توجه به مکان و زمان، گفتمان را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: ۱. عمومی و رسمی؛ ۲. خصوصی و غیررسمی.

۴. ۲. ۲. **شرکت‌کنندگان**<sup>۴</sup>: اطلاعات لازم در مورد شرکت‌کنندگان شامل سن، جنسیت، ملیت و ارتباط میان آن‌ها می‌باشد و با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله شرکت‌کنندگان در یک گفتمان ممکن است در چهار موقعیت مختلف به شرح زیر قرار بگیرند (هایمز، ۱۹۶۷).

- 
1. communicative competence
  2. ethnography of communication
  3. setting
  4. participants

۱. هم‌تراز و رسمی (دو استاد دانشگاه)؛

۲. هم‌تراز و صمیمی (دو دوست قدیمی)؛

۳. نابرابر و رسمی (رئیس و کارمند)؛

۴. نابرابر و صمیمی (استاد و دانشجو).

۴. ۲. ۳. هدف<sup>۱</sup>: هدف از بیان عبارات و پرسش‌های صورت گرفته متفاوت خواهد بود و بسته به شرایط اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی برای افراد متفاوت است (هایمز، ۱۹۶۷). این اهداف در این الگو برای تک‌تک افراد باید مورد واکاوی قرار گیرد. «هدف نهفته در بیان یک عبارت در گفتمان ممکن است در شرایط مختلف تغییر کند. در حقیقت شرایط گفتمان، تعیین‌کننده هدف آن گفتمان خواهد بود. در مدل هایمز نه تنها هدف گفتمان بلکه اهداف هر یک از شرکت‌کنندگان در آن گفتمان نیز باید در نظر گرفته شود» (پیش‌قدم و فیروزیان پوراصفحانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳).

۴. ۲. ۴. ترتیب عملکرد<sup>۲</sup>: گافمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) معتقد است ترتیب گفتمان در برگرفته اطلاعاتی در مورد ترتیب اعمال شرکت‌کنندگان شامل بررسی نقش/کارکرد بخش‌های آن گفتمان می‌باشد. در تعامل و گفتگوی شرکت‌کنندگان ترتیب و توالی وجود دارد که در هنگام بررسی به آن ترتیب و توالی توجه می‌شود.

۴. ۲. ۵. لحن<sup>۴</sup>: «وارداف<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) لحن را شیوه و چگونگی بیان یک گفته تعریف می‌کند که می‌تواند دلسردکننده، جدی، دقیق، مهربان، طعنه‌آمیز، طنزآلود و.. باشد». آنان بر این باورند بین لحن و نوع گفتمان ارتباط برقرار است اما برقراری چنین ارتباطی از نظر ساویله<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) ضروری نیست. برای مثال، ممکن است

---

1. end  
2. act sequence  
3. Goffman  
4. key  
5. Wardhaugh  
6. Saville-Troike

شخصی داستان طنزآمیز را با لحن هیجانی تعریف کند یا داستان ترسناکی را با لحن خنده و طنز بیان کند.

۴. ۲. ۶. ابزار گفتمان<sup>۱</sup>: ابزار گفتمان چگونگی انتقال آن را در بر می‌گیرد که این ابزار می‌تواند شفاهی، نوشتاری، تلگرافی یا هر نوع دیگری باشد (هایمز، ۱۹۶۷) اما در اغلب موارد در یکی از دو صورت گفتاری و نوشتاری می‌باشد.

۴. ۲. ۷. قوانین گفتمان<sup>۲</sup>: منظور از قوانین گفتمان مشخصه‌هایی است که می‌توان به گفتمان نسبت داد؛ برای مثال قطع کردن صحبت دیگری یا بلند صحبت کردن از جمله مشخصه‌های توصیف‌کننده گفتمان می‌باشند (هایمز، ۱۹۶۷).

۴. ۲. ۸. نوع گفتمان<sup>۳</sup>: هایمز (۱۹۷۴) شعر، ضرب‌المثل، معما، سخنرانی، اسطوره، داستان و مکالمه را انواع گفتمان می‌بیند.

۵. روش پژوهش

#### ۱. ۵. شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان این پژوهش، ۱۵ گویشور زن (۹۵ نفر) و مرد (۵۵ نفر) با سطح تحصیلات دیپلم (۳۸ نفر)، کارشناسی (۷۳ نفر)، کارشناسی ارشد (۳۶ نفر) و دکتری (۳ نفر) با شرایط سنی ۱۵ تا ۲۵ (۸۱ نفر)، ۲۵ تا ۳۵ (۳۷ نفر)، ۳۵ تا ۴۵ (۲۵ نفر) و ۴۵ به بالا (۷ نفر) با شغل محصل (۶۲ نفر)، آزاد (۳۷ نفر)، دولتی (۳۵ نفر) و خانه دار (۱۶ نفر) هستند که شرایط اجتماعی آنان متوسط (۱۳۳ نفر)، ضعیف (۱۰ نفر) و بالا (۷ نفر) می‌باشد. لازم به ذکر است شرکت‌کنندگان از استان‌های خراسان رضوی (مشهد، نیشابور و سبزوار)، گلستان (گرگان)، خراسان جنوبی (طبس)، کرمان (سیرجان)، آذربایجان شرقی (تبریز) و تهران (پاکدشت) می‌باشند.

---

1. instrumentalities

2. norms

3. genre

## ۲.۵. شیوه تحلیل داده‌ها

ابتدا سؤالاتی به شرح زیر از شرکت‌کنندگان با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پرسیده شد:

۱. به نظر شما در جوامع امروزی مدرک تحصیلی به چه میزان اهمیت دارد؟
  ۲. به نظر شما مدرک تحصیلی مهم‌تر است یا مهارت‌ورزی؟ دلیل خود را بیان کنید.
  ۳. به نظر شما مدرک تحصیلی به چه میزان در کسب حرفه یا شغل مورد نظر تأثیر دارد؟
  ۴. به نظر شما مدرک تحصیلی بیشتر در نظر مردان حائز اهمیت است یا زنان؟ چرا؟
  ۵. آیا مدرک تحصیلی در ارتقای جایگاه اجتماعی افراد مؤثر است؟ مثال بزنید.
  ۶. به نظر شما چه ارتباطی میان میزان احترام دیگران و مدرک تحصیلی وجود دارد؟ مثال بزنید.
  ۷. افراد در کسب مدرک تحصیلی چه اهدافی را مد نظر قرار می‌دهند؟
  ۸. به نظر شما مدرک تحصیلی افراد در چه زمان و مکانی دارای اهمیت است؟
- افراد شرکت‌کننده به صورت شفاهی به سؤالات پاسخ دادند. این مصاحبه در مراکز دولتی، خدماتی، مشاغل آزاد، آموزشگاه‌ها و در بین افراد محصل انجام شد و پاسخ آنان به صورت سیستمی ذخیره شد، همچنین این مکالمات در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی انجام شد. تلاش بر آن بوده است تمام مکالمات در مکان‌های مختلف ثبت شده و در روند پژوهش آورده شود. لازم به ذکر است علاوه بر انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مکالماتی در باب مدرک‌ستایی صورت گرفته است. پس از پیاده‌سازی داده‌ها بر روی کاغذ، در پرتوی الگوی هایمز تحلیل شدند. در مجموع

حدود ۱۵۰ گفتمان و پاسخ و ۵۰ مکالمه تا اشباع داده‌ها<sup>۱</sup>، جمع‌آوری شده است (اشباع به این معنی است که اطلاعات جدیدی به پژوهش اضافه نشود (بین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

## ۶. یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه مدرک‌ستایی (بیش از حد مهم دانستن مدرک تحصیلی) در جوامع کنونی رایج است، نگارنده پژوهش حاضر بر آن است گفتمان‌های بین افراد با دو جنسیت زن و مرد را به عنوان نمونه کوچکی از جامعه آماری بررسی کرده بیند افراد در چه شرایطی، با چه گفتمان‌هایی و چه اهدافی این زبانهنگ را به کار برده‌اند. افزون بر این، جامعه آماری این پژوهش به مخاطب این امکان را خواهد داد که بدانند گفتمان مدرک‌ستایی در میان چه اقشاری با چه سنی و چه مدرک تحصیلی و موقعیت اجتماعی‌ای بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است علت انتخاب الگوی SPEAKING این بوده است که به نظر می‌رسد با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه زبانهنگ، این الگوی ارتباطی به نسبت الگوهای دیگر موفق‌تر عمل کرده است و زبانهنگ‌ها در قالب آن به راحتی قابلیت بررسی و تحلیل دارند. در ادامه یافته‌های پژوهش براساس اجزای این الگو مد نظر قرار می‌گیرند:

### ۶.۱. موقعیت زمانی و مکانی: براساس آنچه بیان شد، موقعیت زمانی مکانی

ممکن است به صورت عمومی/رسمی یا خصوصی/غیررسمی باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زبانهنگ مدرک‌ستایی بیشتر در موقعیت‌های غیررسمی/خصوصی به کار می‌رود.

### الف. موقعیت خصوصی و غیررسمی: این زبانهنگ در مهمانی‌های دوستانه،

خانوادگی، رستوران، فروشگاه‌ها و محل کار کاربرد داشته است.

مثال ۱ (مکالمه بین دو دوست صمیمی):

دوست ۱: این روزا اگه مدرک نداشته باشی بهت زن نمیدن.

1. data saturation

2. Yin



دوست ۲: آره والا، هر جا میری اول می‌پرسن مدرکت چیه؟! انگاری اگر مدرک نداشته باشی دیگه بی‌سوادى و درک پایین‌تری داری.

دوست ۱: قبول دارم که تحصیل‌کرده باشی خیلی بهتر می‌تونى شرایط رو درک کنی!

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مکالمه بین دو دوست در موقعیت مکانی محل کار یکی از آنهاست و با توجه به موقعیت زمانی و مکانی از نوع خصوصی و غیررسمی است. لازم به ذکر است که موقعیت زمانی مهم دانستن مدرک تحصیلی، زمان ازدواج است.

مثال ۲ (مکالمه بین مادر و فرزند):

فرزند: مامان چقدر عجله داری برای ازدواج من. اما من فعلاً قصد ازدواج ندارم.

مادر: چرا آخه؟ می‌دونى که هرچی سنت بیشتر بشه انتخاب همسر هم برات دشوارتر می‌شه؟

فرزند: چون دلم می‌خواد تحصیلاتمو ادامه بدم و می‌دونم که آینده خوبی پیش رو دارم با توجه به پشتکارم و توقع هم می‌ره یه آدم تحصیل‌کرده بیاد خواستگاریم.

در نمونه مذکور، گفتگوی صورت‌گرفته در موقعیت مکانی منزل و به‌صورت خصوصی و غیررسمی انجام پذیرفته است. باید گفت که در این مکالمه موقعیت زمانی، زمان فرارسیدن ازدواج فرزند است.

ب. عمومی/رسمی: این گفتگو می‌تواند در محل کار افراد، دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و... در ملأ عام صورت گیرد. مثال ۱ (مکالمه بین ارباب رجوع و مسئول دفتر):

مسئول دفتر: آقای محترم مدرک تحصیلی شما چیه؟

ارباب رجوع: مدرک لیسانس دارم.

مسئول دفتر: کمترین مدرک برای کسب این شغل لیسانس است. به شما خبر

می‌دیم، لطفاً یه شماره تماس بنویسید.

در نمونه فوق، مکالمه در موقعیت رسمی و عمومی صورت گرفته و اهمیت مدرک در کسب موقعیت شغلی بهتر را بیان می‌کند.

مثال ۲ (مکالمه بین دو همکار):

همکار ۱: جناب، شما دیگه چرا این حرف رو می‌زنید؟ شما که بهتر می‌دونید من در این شغل مهارت بالایی دارم و لیاقت بالاتری دارم نسبت به فلانی!  
همکار ۲: بله البته، اما مثل اینکه تحصیلات تو شرکت ما حرف اول رو می‌زنه اونم برای آشنایان!

در نمونه ذکرشده، موقعیت مکانی، محل کار و رسمی و عمومی بوده و در موقعیت زمانی برای کسب شغل، ستایش مدرک در این بافت در مقابل مهارت قرار می‌گیرد.

۲.۶. شرکت‌کنندگان: با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در پرتوی الگوی هایمز، شرکت‌کنندگان شامل چهار دسته می‌شوند که عبارت‌اند از: هم‌تراز و صمیمی، هم‌تراز و رسمی، نابرابر و رسمی، نابرابر و صمیمی.

الف. هم‌تراز و صمیمی

مثال ۱ (خواهر و خواهر):

خواهر ۱: آبجی من بشم آینه عبرتت، یادته چقدر عجله داشتم برای ازدواج؟ انگاری چه خبره! اما به نظر من تو کار خیلی خوبی کردی که تا الان به تحصیل فکر کردی.

خواهر ۲: درسته من تحصیلاتمو ادامه دادم، اما تو اگه به درس خوندن واقعاً علاقه می‌داشتی نباید ول می‌کردی درستو! تو ازدواج رو مانعی برای تحصیل دیدی در صورتی که می‌تونستی بخونی و قطعاً الان جایگاهت از من بهتر بود؛ چون برای گذران وقت درس نمی‌خوندی؛ اما چه حیف که ازدواج دست و پاتو بست!

مثال ۲ (دوست و دوست):

دوست ۱: من که درسمو می‌خونم و از ایران می‌رم، همون‌کاری که دختر عمه‌ام کرد، اینجا آدم پیشرفتی نداره والا!

دوست ۲: اما عزیزم تو آگه واقعاً نیتت درس خوندن و خدمت به مردم جامعه‌ات باشه موندنی می‌شی و به همین مردم خدمت می‌کنی. مگه کم دکتر و متخصص داشتیم که بهشون پیشنهاد دادن؟ اما اونا با علاقه درس خوندن و به اون درجه رسیدن که به همین کشور خدمت کنن. تو رفیق صمیمی من هستی و می‌شناسمت، می‌دونم واسه چیز دیگه‌ای می‌خوای بری اونور!

در این دو نمونه، مدرک‌ستایی اغلب در حوزه تشکیل زندگی و ازدواج صورت گرفته است. همچنین افراد با تصور اینکه شرایط بهتری را در زندگی تجربه کنند با نیت مهاجرت تحصیلات خود را ادامه می‌دهند.

#### ب. هم‌تراز و رسمی

مثال ۱ (همکلاسی و همکلاسی):

همکلاسی ۱: من از علاقه‌م به شما مطمئنم و تو زندگی این‌قدر تا بحال مطمئن نبودم به تصمیم؛ اما چیزی که هست، نمی‌خوام با شهرستان اومدنتون مانع پیشرفتتون در راه علم باشم. هردوی ما راه سختی که تحصیل داشت برامون، رفتیم و مطمئنم شما لایق بهترین جایگاه هستید. اما این جایگاه خوب داره شمارو از من می‌گیره متأسفانه!!!

همکلاسی ۲: بهتره که در تصمیم‌گیری برای این موضوع عاقلانه بریم جلو و انتخاب آگاهانه‌ای داشته باشیم با توجه به شرایطی که برامون پیش اومده.

مثال ۲ (همکار و همکار):

همکار ۱: من از وقتی ترفیع درجه گرفتم، دیگه به خودم نمی‌بینم که با ارباب رجوع‌هایی سروکله بزنم که فقط حوصله سر می‌برن از آدم.

همکار ۲: اما شما متعهد هستید و باید به وظیفه‌تون عمل کنید. حتی اگر سروکله زدن با ارباب رجوع‌های این‌چنینی باشه!

در این روابط افراد به دلایلی مانند بالارفتن تحصیلات آکادمیک و گاهی اوقات هم برای پز دادن به یکدیگر به مدرک تحصیلی اهمیت می‌دهند. همچنین کسب مدرک با نیت کمک و خدمت به انسان‌ها گاهی گذشتن از خواسته‌های فرد دیگر می‌باشد.

### ج. نابرابر و صمیمی

مثال ۱ (پدر و فرزند):

پدر: پسر من تا او مدم بفهمم درس چیه و چقدر بهش علاقه دارم، پدرم فوت کرد و من بودم و دوتا برادر کوچیکتر از خودم که مجبور بودم نان آور خانواده بشم، چون بزرگتر بودم، اما هیچ وقت نداشتم عموهات از تحصیل جا بمونن. فرزند: آقا جون، عموهای من زندگی و موفقیت الانشونو مدیون فداکاری شما هستن، چون شما از درستون گذشتین تا اونا به جایگاههای والایی که الان دارن برسن.

مثال ۲ (رئیس و مستخدم):

رئیس: آقای محسنی شما چندین ساله دارید برای ما تو این شرکت کار می کنید و از جهت مهارتی که دارید به این کار مطمئنم. برای همین می خوام بهترین جایگاه رو در این شرکت به دست بیارید؛ چون لیاقتشو دارید. اما لازمه اش داشتن مدرک تخصصی تون هست. می دونید که من اهل پارتنری بازی نیستم. اما این فرصت رو در اختیار شما می ذارم.

مستخدم: خیلی ممنون آقای رئیس، بله شمارو چندین ساله می شناسم و می دونم موفقیتتون در کار تولید بخاطر انتخابهای درستتون بوده. در این روابط اهمیت مدرک اکثراً برای آینده نگری و کسب شغل بهتر و موقعیت اجتماعی والا مد نظر است.

### د. نابرابر و رسمی

مثال ۱ (استاد و دانشجو):

استاد: ببینید دانشجویان عزیز، لازمه موفقیت در آینده شغلی داشتن تخصص کاری در حوزه شغل مربوطه هست و این تخصص شامل داشتن سواد و مهارت مربوط به اون شغل می شه و پشتکار داشتن در این راه! دانشجو: اما استاد امروزه همه چی پارتنری بازی شده، دیگه همه آشناهای خودشونو میذارن سر میز مدیریت و کارمندی!

استاد: شما این دو رو در کنار هم داشته باشید و این نوع طرز فکر رو کنار بذارید، بیکار نخواهید ماند. پیدا می‌شن کسانی که ارزش ویژه‌ای برای افراد باسواد و متخصص قائلن!

مثال ۲ (دکتر و بیمار):

بیمار: خانم دکتر منشی تون واقعاً انسان موجه و مناسبی هستن، برخورد خیلی خوبی دارن. من که با ایشون خیلی راحت‌م. مشخصه که فرد تحصیل کرده و مؤدبی هستن. بهتون تبریک می‌گم!

دکتر: خیلی ممنونم، حق با شماست! ایشون تنها مسئول کارهای اداری نیستن بلکه دارن درس شونو می‌خونن و هدف مشخصی دارن.

در این روابط اهمیت مدرک برای آن است که افراد عقیده دارنند تحصیلات، بهتر اندیشیدن را در پی دارد و اغلب موارد برخورد بجا و مناسب نشان‌دهنده درس خوانده بودن است. همچنین سواد در کنار تخصص معنای صحیح خود را می‌یابد.

۳.۶. هدف: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد افراد با اهداف گوناگونی زیاهنگ مدرک‌ستایی را به کار می‌برند که در زیر بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۱. کسب علم

مثال: درس و تحصیلات برای من خیلی مهمه و بهش علاقه دارم چون پیامبر هم فرمودن ز گهواره تا گوردانش بجوی.

۲. به دست آوردن آینده‌ای روشن‌تر

مثال: دکترم بگیرم خیلی بهتر می‌تونم شغل پیدا کنم، این همه درس نخوندم که بشینم تو خونه، با پشتکار آینده خوبی در انتظارمه.

۳. پول/کسب درآمد

مثال: اگه بتونم مدرک ارشدمو بگیرم، ارتقای جایگاه شغلی می‌گیرم و طبیعتاً افزایش حقوقم دارم.

۴. پیدا کردن شغل مناسب

مثال: این روزا تو ادارات به مدرک تحصیلی خیلی اهمیت میدن تا مهارت. من به چشم خودم دیدم اونى که مدرک تحصیلی بهتری داشت رو استخدام کردن.

۵. پز دادن

مثال: دیدی فلانى تا لیسانس شو گرفت خانوادش چه جشنی براش گرفتن؟ هرکى ندونه فکر می‌کنه مدرک دکتراشو

تو دانشگاه کمبریج گرفته! یه مدرک لیسانسه دیگه. این همه سر و صدا نداره.

۶. فرصت‌های مناسب برای ازدواج

مثال:

دوست ۱: پسر تو هنوز سربازی تم نرفتی که، درگیر لیسانس هستی؟

دوست ۲: آره، آخه دختری که می‌خوام باهاش ازدواج کنم، خیلی به تحصیلات

اهمیت می‌ده و شرط ازدواج مون شده گرفتن مدرک لیسانس!

۷. کسب موقعیت اجتماعی

مثال: من تو اداره‌ای که کار می‌کنم با مدرک ارشدم برام احترام زیادی قائل هستن

خدا رو شکر، اگرچه که موقعیت شغلی آنچنان بالایی ندارم و فقط مسئول دفترم.

۸. امید به استخدام در مراکز دولتی

مثال: دختر خوشبخت، هم مدرک ارشد داری، هم داری برای استخدامی

می‌خونی، قطعاً اولویت پذیرش شما بیشتره تا ما!

۹. پیدا کردن همسر تحصیل کرده

مثال: مگه نگفتم بهت؟! به خانوادم گفتم دیگه اجازه ندن خواستگار وارد خونمون

بشه مگر اینکه تحصیلاتش کمتر از ارشد نباشه! من خودم تحصیل کرده‌ام، دنبال یکی

می‌گردم که هم سطح خودم باشه.

۱۰. علاقه

مثال: من از وقتی دانشجوی شهرستان شدم، فقط سختی دیدم تو این سرما و

گرما. دوستانم میگن انتقالی بگیر بیا شهر خودمون، اما خرج تحصیل رو از کجا بیارم؟

با همه این سختی‌ها اما از درس زده نشدم. چون هدف دارم و مطمئنم با علاقه به اهداف مد نظرم می‌رسم.

#### ۱۱. حسادت و رقابت

مثال:

دختر: چرا تو این خانواده همه امتیازها رو به مریم میدین؟ تحصیل تو هر دانشگاهی، همش مریم. بهترین انتخابا همه برای مریم!

مادر: اما تو خودت خوب می‌دونی ما به مریم هر امتیازی هم بدیم اون جایگاهی که لیاقتشو داره رو به دست میاره! مثل همین، انتخاب درس خوندن تو هر دانشگاهی رو بهش دادیم، اما جایگاهش دولتی خوندن بود و موفق هم شد.

#### ۱۲. رسیدن به مدارج بالا

مثال: تو خانواده مادری مون، همه دخترا پی ازدواج رو گرفتن و رفتن تو همون زندگی که توقع شو داشتن، خدا رو شکر که خوشبختن. اما تو از همون اول قانع نبودی به این طور زندگی کردن! همه هم شاهد به اینجا رسیدنت بودن. الانم یکی از اعضای خانواده ما شده افتخار خانواده و فامیل و خودت خوب می‌دونی که احترام خاصی برات قائلن.

#### ۱۳. چشم‌وهم‌چشمی

مثال: مامان تو که این قدر خانواده خواهرتو می‌زنی تو سر من، میگی بین چقدر دخترخاله‌ات موفقه! خوبه که به زندگی شونم نگاه کنی، بعد اینهمه سال نشناختی شون که هر کار حتی کوچیکی انجام میدن فقط و فقط برای نشون دادن جلوی چشم مردمه؟ اما دوست داری منم همون جور تو دهن مردم بیفتم. ولی من اگر درس بخونم برای خودم و آینده بهترم می‌خونم نه برای نشون دادن مدرکم به بقیه!

#### ۱۴. کسب رضایت‌مندی دیگران مانند والدین

پدر: پسر من این داداش بزرگت هرچقدر بهش گفتم درستو بخون که موفق بشی، مایه افتخارم بشی، گفت من علاقه ندارم به درس خوندن بابا! تو بخون پسر من بلکه تو بشی مایه سربلندیم.

فرزند: بابا افتخارت فقط درس خوندن بچه‌هاته؟ اما یادت باشه داشتن پسرای سالم و باایمانم می‌شه افتخار باشه! اگرچه که ما نخوندیم و علاقه به تحصیل نداشتیم! اما خواهرمون داره مدارج تحصیلی رو طی می‌کنه و قطعاً موفق خواهد بود. چون علاقه به کسب علم داره و شما رو هم به آرزوتون می‌رسونه!

در مجموع اهداف زباهنگ مدرک‌ستایی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

#### جدول ۱. اهداف کلی زباهنگ مدرک‌ستایی

اهداف زباهنگ مدرک‌ستایی	
۱. کسب علم	۸. امید به استخدام در مراکز دولتی
۲. به‌دست‌آوردن آینده‌ای روشن‌تر	۹. پیداکردن همسر تحصیل‌کرده
۳. پول/کسب درآمد	۱۰. علاقه
۴. کسب شغل بهتر	۱۱. حسادت و رقابت
۵. پزدادن	۱۲. رسیدن به مدارج بالا
۶. فرصت‌های مناسب برای ازدواج	۱۳. چشم‌وهم‌چشمی
۷. کسب موقعیت اجتماعی	۱۴. کسب رضایت دیگران مانند پدر و مادر

۶. ۴. **ترتیب عملکرد:** همان‌طورکه گفته شد در مکالمات ترتیبی وجود دارد که عملکرد افراد را بررسی می‌کند. لزوماً این ترتیب عملکرد با نشانه یا عددگذاری و اکثر اوقات با بیان جایگاه فرد ترتیب خود را نمایش می‌دهند.

برای نمونه:

دانشجو: استاد امروزه دیگه کسی که تحصیل می‌کنه، هر نیتی رو در نظر داره به جز کسب علم برای یادگیری و به‌کار بستن اون علم در زندگیش.

استاد: دانشجویان عزیز اگر توانایی ادامه تحصیل را ندارید لطفاً خودتونو درگیر تحصیلات نکنید، چون لازمه یادگیری علاقه و حوصله است. ضمن اینکه برای علم باید وقت گذاشت تا نتایج مطلوب آن را مشاهده کرد.



۵. ۶. لحن: با توجه به مطالعات صورت گرفته، هر فرد در موقعیت‌های مختلف بسته به شرایط، از لحن‌های متفاوتی استفاده می‌کند که گاه خنده‌آور و طعنه‌آمیز، عصبانی، تهدیدآمیز، جدی و محبت‌آمیز، دلسوزانه، نصیحت‌گرایانه یا نگران است.  
لحن طعنه‌آمیز:

- آخه رفیق کی به تو زن می‌ده؟! امروزه همه دنبال تیپ و قیافه هستن!  
- اتفاقاً رفیق سخت در اشتباهی، من اگرچه تیمم آنچنان خوب نیست، اما هر جا برم و بگم ارشدمو تموم کردم، چشم‌بسته بهم دختر میدن!  
- خوشم میاد واقع‌بینی در مورد ظاهر خودت!  
لحن عصبانی:

- من لیاقتم بالاتره! که هم تحصیلات دارم هم به کارم آشنا هستم یا تویی که نه از مهارت چیزی می‌فهمی و نه از تحصیلات بالا!  
- می‌خواستین شما هم جزو آشناهای آقای مدیر کل باشید!  
لحن دلسوزانه:

پدر: پسر من آرزوم اینه که به مدارج بالا برسی و باعث افتخارم بشی.  
لحن نصیحت‌گرایانه:

استاد: تو دانشجوی خوبی هستی از دوران کارشناسی خوب می‌شناسمت و می‌دونم که آینده‌روشنی داری. پس ازت می‌خوام دغدغه‌هایی که باعث میشن نتونی روی درس و تحصیل تمرکز کنی رو بذاری کنار. چون رفته رفته می‌بینی فرصت‌های طلایی از دستت رفته و جز پشیمونی هیچ برات نمونده.  
لحن نگران:

معلم: دخترم چی شده که نمره‌هات این‌قدر کم می‌شه؟ تو جزو دانش‌آموزای خوب من هستی. یادت رفته ازت پرسیدم که دوست داری در آینده چکاره بشی، گفتی: خانم دکتر! خانم دکتر ما الان چی شده که تمرکز کافی نداره برای درس خوندن!؟

۶.۶. ابزار: در زیاهنگ مدرک‌ستایی دو حالت وجود دارد که پیام منتقل شود که عبارت‌اند از نوشتاری و گفتاری. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده این نوع زیاهنگ در حالت گفتاری بسیار پرکاربردتر از حالت نوشتاری می‌باشد.

حالت گفتاری:

پدر: دخترم این جایگاه شغلی مناسبی که به‌دست آوردی، حاصل سخت‌کوشی و پشتکاری هست که داری.

فرزند: خیلی ممنون باباجون، هر کس ندونه، شما که خانوادم هستید خبر دارید چقدر برای کنکور می‌خوندم و منتظر نتیجه خوبش بودم.

حالت نوشتاری:

پیامبر(ص) می‌فرمایند: *أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ*  
 ز گهواره تا گور دانش بجوی (آداب‌المتعلمین، ص. ۱۱۱).

۶.۷. قوانین گفتمان: پژوهش‌های صورت گرفته در زیاهنگ مدرک‌ستایی نشان‌دهنده این است که افراد در گفتمان‌های خود زمانی که می‌خواهند مدرک تحصیلی‌شان را با ارزش نشان دهند، از این نوع زیاهنگ استفاده می‌کنند؛ همچنین در زمان ازدواج به مدرک تحصیلی خود تکیه می‌کنند چون احساس می‌کنند تنها با مدرک تحصیلی بالا می‌توانند به خواسته قلبی خود دست یابند، در حالی که این امتیاز در کنار دیگر امتیازهای اخلاقی و رفتاری نمایان خواهد شد. در زمان دیگر برای کسب موقعیت اجتماعی بهتر تحصیلات خود را بزرگ جلوه می‌دهند و اگر تحصیلات آنچنان بالایی نداشته باشند، به‌خاطر کسب موقعیت اجتماعی بهتر، ادامه تحصیل داده‌اند. افراد همچنین برای کسب موقعیت شغلی بهتر به ادامه تحصیل اقدام می‌کنند؛ زیرا همان‌طور که جایگاه شغلی افراد را ارتقا خواهد داد، حقوق و مزایای آنان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

با تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها به دو دسته شرق و غرب، هافستد<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) تصویری از فرهنگ جمع‌گرایی شرقی‌ها نشان می‌دهد؛ به‌این‌معنا که به ارتباطات اهمیتی بسیاری

1. Hofstede

می‌دهند اما در مقابل، غربی‌ها که فرهنگی فردگرا دارند، اصلی‌ترین دغدغه خود را برآوردن خواهش‌های شخصی خود می‌دانند. در مقایسه جمع‌گرایی و فردگرایی می‌توان گفت جمع‌گرایی دیدی کلی به فرد می‌دهد در حالی که فردگرایی دید جزئی به افراد می‌دهد. (پیش‌قدم، ۱۳۹۲، ص. ۲۷)

به گفته هافستد (۲۰۰۱) «بنابر یکی از محورهای طبقه‌بندی فرهنگ یعنی جمع‌گرایی در برابر فردگرایی، آمریکا، بریتانیای کبیر و استرالیا بالاترین رتبه را در مقیاس فردگرایی کسب می‌کنند در حالی که رتبه ایران به سمت انتهای جمع‌گرایی مقیاس میل می‌کند» (نقل در کوتلاکی و سعیدی، ۱۳۹۵، ص. ۳۳). مردم در فرهنگ ایرانی با توجه به خصلت جمع‌گرا بودنشان، عادت دارند زیاهنگ مدرک‌ستایی را در مواجهه با افراد جلوه دهند و در مقابل جمع تصویر بهتری از خود ارائه دهند.

**۸.۶. نوع گفتمان:** آخرین تقسیم‌بندی الگوی SPEAKING هایمز، نوع گفتمان است که این زیاهنگ بیشتر در انواع گوناگونی از مکالمات نظیر شفاهی، نثر و شعر نیز کاربرد داشته است.

نمونه شعر:

پیامک زد شبی لیلی به مجنون  
 که هر وقت آمدی از خانه بیرون  
 بیاور مدرک تحصیلی‌ات را  
 گواهی‌نامه پی‌اچ‌دی‌ات را  
 پدر باید ببیند دکترایت

زمانه بد شده جانم فدایت... (شاعر ناشناس)

نمونه از احادیث امام باقر(ع):

لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْمَلَقُ وَالْحَسَدُ إِلَّا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ

فرد مؤمن نه چاپلوسی کند و نه حسد برد جز در راه تحصیل علم و دانش (تحفه

العقول/ترجمه جعفری؛ ج. ۱، ص. ۲۹۷).

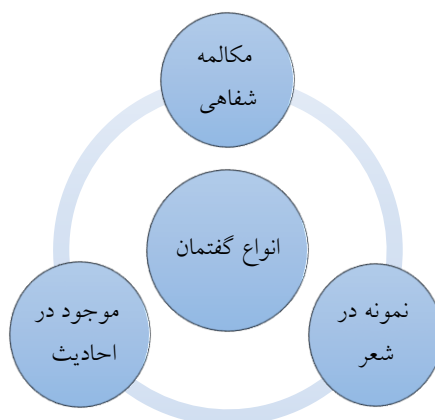
مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ تَكَفَّلَ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقِهِ

هر که در راه آموختن و فهمیدن دین خدا بکوشد، خداوند خواهش و روزی او را، از جایی که گمانش را هم نمی برد تأمین می کند (طباطبایی، ج. ۸، ص. ۳۰).

نمونه مکالمه شفاهی:

دوست ۱: خوشبخت، من خیلی عجله کردم برای تشکیل زندگی، الان خدا رو شکر زندگی بدی ندارم اما می تونست بهتر از اینم باشه. اما تو صبر کردی و به تحصیلات ادامه دادی، پشیمون که نشدی هیچ، با یه پسر تحصیلکرده هم ازدواج کردی!

دوست ۲: آره من حقیقتاً هدفم همین بود. دوست داشتم فردی که شریک زندگی می شه، منو درکم کنه و اجازه بده شاغل باشم چون برای تحصیلات بالا خیلی تلاش کردم و هرکسی چنین درکی نداره مگر اینکه خودش این راه رو رفته باشه...!



نمودار ۱. انواع گفتمان

#### ۷. بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالعات انجام شده، نتایج نشان داد که زبانهنگ مدرک‌ستایی قابلیت بررسی در چارچوب الگوی SPEAKING هایمز را دارد. در پژوهش حاضر بر آن بودیم تا زبانهنگ مدرک‌ستایی را در باب گفتمان‌ها و مکالمات روزمره افراد در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف و طبق هشت تقسیم‌بندی الگوی هایمز بررسی

کنیم. این زیاهنگ بیش از اندازه اهمیت قائل شدن در حد ستودن مدرک تحصیلی است و با انگیزه‌های گوناگونی از جمله کسب علم، کسب جایگاه اجتماعی و شغلی مناسب، کسب رضایتمندی دیگران نظیر پدر و مادر، کسب مدرک جهت پز دادن و چشم‌وهم‌چشمی و... به کار می‌رود. این نوع زیاهنگ در موقعیت‌های غیررسمی و رسمی به طور یکسان کاربرد داشته و اکثریت افراد جامعه اعم از جوانان و میانسالان بسته به شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند، با جنسیت زن و مرد، با آن درگیر هستند. آن‌ها این زیاهنگ را چه در سطح هم‌تراز و چه در سطح نابرابر شغلی و تحصیلی با توجه به اهداف مورد نظرشان با بیشترین استفاده از گفتار نسبت به نوشتار به کار می‌برند. فزونی کاربرد این زیاهنگ در بین مردم ایرانی نشان می‌دهد که آن‌ها به ارتباطات خیلی اهمیت می‌دهند (هافستد، ۱۹۹۱) و همین امر تأییدی بر فرهنگ جمع‌گرای آنان است. همان‌گونه که بیان شد، اهمیت فرهنگ در ارتباطات آنجایی مشخص می‌شود که افراد در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر تمایل دارند تفاوت‌ها را بروز دهند و مفهوم فرهنگ در ارتباطات افراد با یکدیگر نمایان می‌شود (یوسف‌زاده اربط، ۱۳۹۵). در همین راستا، افراد در ارتباط با یکدیگر براساس فرهنگ خود عبارات زبانی را نیز به نمایش می‌گذارند.

افراد در برخورد با یکدیگر زمانی که صحبت از داشتن مدرک تحصیلی به میان می‌آید، ارزش‌های فرهنگی نظیر ارزش‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هنری را مد نظر دارند (نوربالا، روشن، فقیه‌زاده، شاکری و محمدصالحی، ۱۳۸۶).

در راستای برشمردن ارزش‌ها، ارزش مذهبی در مدرک‌ستایی حدیث معروف پیامبر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» (آداب‌المتعلمین، ص. ۱۱۱) یکی از اهدافی است که افراد برای داشتن مدرک، مد نظر دارند و خدمت به جامعه و مردم را در راستای یادگیری علم و کسب مدرک در نظر دارند. «آستین<sup>۱</sup> در یکی از پژوهش‌های خود بیان کرد که میزان ارزش‌های مذهبی در کسانی که به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند (نظیر دانشجویان) و حس کمک کردن به دیگران در آن‌ها به چشم می‌خورد

---

1. Austin

(فرهنگ جمع‌گرایی)، به‌مراتب بالاتر است» (نوربالا و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۴). همچنین افراد در زبانهنگ مدرک‌ستایی، گرفتن مدرک تحصیلی بالا را برای اهداف سیاسی خود در نظر می‌گیرند و قصد دارند فعالیت‌های سیاسی خود را به قصد مهاجرت ادامه بدهند. در واقع «ارزش‌های سیاسی یکی از تغییرپذیرترین ارزش‌ها در سلسله‌مراتب ارزش‌های دانشجویان است» (نوربالا و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۴) که زبانهنگ مدرک‌ستایی با آن ارتباط زیادی دارد.

یکی دیگر از اهدافی که افراد در زبانهنگ مدرک‌ستایی مد نظر دارند، برخورداری از مقبولیت اجتماعی است. به‌نظر بهزاد (۱۳۸۱) مقبولیت اجتماعی بیان‌کننده ارزش و احترام و منزلتی است که خانواده و جامعه برای فرد قائل است. «از جمله شاخص‌هایی که در مقبولیت اجتماعی قرار می‌گیرد: ۱. مورد توجه بودن، ۲. مورد تشویق بودن، ۳. افتخار کردن است» (ادریسی، رحمانی خلیلی و حسینی امین، ۱۳۹۱، ص. ۱۱) که این عوامل با زبانهنگ مدرک‌ستایی به‌خوبی در ارتباط تنگاتنگی قرار دارند. جوانان دائماً بین اینکه تحصیلاتشان را ادامه دهند یا مهارت مربوط به شغل مورد علاقه‌شان را بیاموزند، مرددند. برای جوانان مهم است که بدانند با داشتن تحصیلات باعث می‌شود آن مقبولیت اجتماعی که انتظار دارند را به‌دست آورند یا خیر. دغدغه اصلی آنان این است که مدرک تحصیلی اگرچه احترام جایگاه اجتماعی بهتر را در پی دارد، اما لزوماً برای به‌دست آوردن شغل مناسب و آبرومند کافی نیست و این امر نشان از اهمیت دادن به گفته و نظرات دیگران دارد.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که داشتن مدرک تحصیلی بالا در جوامع به داشتن اقتصاد در حال رشد کمک می‌کند با این توضیح که «یکی از ویژگی‌های اقتصاد در حال رشد، تقاضا برای نیروی کار با سطح تحصیلات بالاتر به همراه رشد اقتصادی در حال افزایش است» (ازما و رهبری، ۱۳۹۴، ص. ۴). ایرانیان با اهداف متنوع از این نوع زبانهنگ در فرهنگ خود استفاده می‌کنند که در بهترین حالت کسب علم و علاقه فرد به تحصیل است. اما ضمن در نظر گرفتن این هدف، پز دادن، حسادت، رقابت، کسب جایگاه شغلی، کسب ثروت، به‌دست‌آوردن جایگاه اجتماعی بالا، راضی

نگهداشتن پدر و مادر و ازدواج در این زیاهنگ وجود دارد که همه این اهداف در قالب گفتگوهای عمومی/رسمی و خصوصی/غیررسمی انجام می‌شود. در پایان مجموعه‌ای از کاربردها و گفتمان‌های این نوع زیاهنگ در زبان فارسی مورد مطالعه قرار گرفت و نتایج حاصل شامل سه گروه از افراد است که به شرح نظرات آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۱.۷. عده‌ای مدرک تحصیلی را مهم‌تر می‌دانند و معتقدند:

۱. فرد اگر مهارت داشته باشد اما مدرک تحصیلی نداشته باشد، جامعه به استعداد او چندان توجه نمی‌کند؛
۲. چنانچه فرد درک تحصیلی داشته باشد راحت‌تر می‌تواند کار مورد نظر خود را پیدا کند و مهارت مربوه را به‌دست آورد؛
۳. برای به‌دست‌آوردن احترام ویژه در اجتماع و کسب شغل آبرومند باید فرد مدرک تحصیلی داشته باشد؛
۴. مهارت زندگی نظیر داشتن درک متقابل، از طریق تحصیلات به‌دست می‌آید؛
۵. فرد می‌تواند با مدرک تحصیلی بالا به مهارت و استعداد دلخواه خود برسد؛

#### ۲.۷. عده‌ای مدرک تحصیلی را کم‌اهمیت می‌دانند و معتقدند:

۱. مهارت حرفه‌ای از مدرک تحصیلی مهم‌تر است؛ زیرا تا علاقه نباشد مهارت به‌دست نمی‌آید و کاری که در آن علاقه فردی باشد موفقیت‌آمیز خواهد بود و موفقیت کسانی که با مهارت کاری را انجام می‌دهند بیشتر از کسانی است که تحصیلات بالا دارند؛
۲. مهارت موجب کسب درآمد برای گذران زندگی می‌شود؛
۳. جامعه امروزی مهارت را برتر از مدرک تحصیلی می‌داند؛
۴. مهارت مهم است؛ زیرا با درآمدزایی ارتباط مستقیم دارد و فرد برای تحصیل نیازمند سرمایه است (با این توضیح که مهارت با درآمدزایی موجب به‌دست‌آوردن سرمایه می‌شود)؛

۵. مهارت‌ورزی و تجربه کاری همیشه موفق‌تر از مسائل تئوری مانند درس بوده است؛

۶. مهارت‌ورزی بنا به این تعریف که هیچ‌وقت داشتن گواهینامه دلیلی بر راننده خوب بودن نیست، از مدرک تحصیلی مهم‌تر است.

بنابراین، دلایل اهمیت مدرک تحصیلی از دید افراد را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

#### جدول ۲. دلایل اهمیت مدرک تحصیلی از دید افراد

<p>دلایل اهمیت مدرک تحصیلی از دید افراد</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. بدون مدرک، استعداد به چشم نمی‌آید.</li> <li>۲. لازمه به‌دست‌آوردن مهارت، داشتن تحصیلات است.</li> <li>۳. برخورداری از احترام در جایگاه اجتماعی.</li> <li>۴. درک متقابل نیازمند داشتن علم کافی است.</li> <li>۵. به‌دست آوردن مهارت مطابق با علاقه فرد در گرو داشتن مدرک تحصیلی است.</li> </ol>
--

#### جدول ۳. دلایل اهمیت مدرک از دید افراد

<p>دلایل اهمیت مهارت از دید افراد</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. لازمه موفق‌بودن در کار، داشتن مهارت کافی و علاقه است.</li> <li>۲. کسب درآمد برای گذران زندگی.</li> <li>۳. ارجحیت مهارت بر مدرک در جوامع کنونی.</li> <li>۴. درآمدزایی حاصل از داشتن مهارت.</li> <li>۵. موفق‌بودن تجربه کاری به نسبت تحصیلات آکادمیک.</li> <li>۶. داشتن مدرک همیشه به داشتن مهارت کافی منجر نمی‌شود.</li> </ol>
---

#### جدول ۴. دلایل اهمیت مدرک و مهارت در کنار یکدیگر

<p>دلایل اهمیت مدرک و مهارت در کنار یکدیگر</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. مکمل بودن یکدیگر: لازمه داشتن مهارت به‌دست‌آوردن علم آن است.</li> <li>۲. با استفاده از هر دو می‌توان به نوآوری‌های جدید دست یافت.</li> <li>۳. این دو در کنار یکدیگر معنا می‌یابند، با این توضیح که مهارت بدون تحصیل از عمق کافی برخوردار نیست.</li> </ol>
--



در همین راستا باید گفت، جامعه‌ای از فرهنگ سالم برخوردار است که در حوزه اهمیت به مدرک تحصیلی تمامی اهداف را به‌گونه‌ای مثبت در نظر داشته باشد و والاترین هدف برای به‌دست آوردن تحصیلات عالی، کسب علم به‌خاطر زندگی بهتر و تفکر روشن‌تر باشد، به‌گونه‌ای که اثرات مثبت آن بر اخلاق و رفتار فرد نمایان شود، نه آنکه در جهت منفی از آن استفاده نماید. با توجه به پژوهش انجام‌شده کاستی‌های موجود می‌تواند در حوزه‌های دیگر قابل بررسی باشد، با این توضیح که زیاهنگ مذکور در فرهنگ فارسی و انگلیسی قابلیت بررسی دارد. همچنین می‌توان در مقالات آتی از پرسش‌نامه و مصاحبه‌های گسترده‌تری در باب این موضوع بهره گرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود در همین راستا پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد تا شاهد تحقیقات فراوانی در حوزه زیاهنگ مدرک‌ستایی باشیم.

#### کتابنامه

- ازما، ف.، و رهبری، م. (۱۳۹۴). شناسایی و رتبه‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کشف فرصت‌های شغلی در کاربایی‌های غیردولتی. *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ۶۳، ۱۶۹-۱۸۱.
- آهنی تهرانی، م. ج. (۱۳۷۰). *انیس الطالبین*. ترجمه آداب‌المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی. تهران: حاذق.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۱). معرفی «زیاهنگ» به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۴، ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ.، و طباطبائی فارانی، س. (۱۳۹۶). واکاوی عبارت «نازکردن» و ترکیب‌های حاصل از آن در زبان فارسی در پرتو الگوی هیجامد. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸ (۳۹)، ۶۷-۱۵۲.
- پیش‌قدم، ر.، فیروزیان پوراصفهانی، آ.، و فیروزیان پوراصفهانی، آ. (۱۳۹۹). معرفی زیاهنگ مرگ‌محوری و شادی‌گریزی از طریق تفحص در گفتمان‌شناسی «مرگ» در زبان فارسی. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۱ (۴۹)، ۱۸۱-۲۰۶.
- پیش‌قدم، ر.، و ابراهیمی، ش. (در حال چاپ). بررسی زیاهنگ بلاتکلیف‌شدگی با استفاده از عبارات تقابلی دوگانه در پرتو الگوی هایمز. *دوفصلنامه پژوهشی علم زبان*.

- پیش قدم، ر.، و عطاران، آ. (۱۳۹۵). گفتمان‌شناسی «قسمت» در زبان و فرهنگ مردم ایران. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۷(۳۵)، ۱۲۹-۱۴۹.
- پیش قدم، ر.، و فیروزیان پوراصفهان، آ. (۱۳۹۶). تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی «نمی‌دانم» در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸(۳۷)، ۷-۳۵.
- پیش قدم، ر.، و نوروز کرمانشاهی، پ. (۱۳۹۴). ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی. *زبان‌پژوهی*، ۸(۲۰)، ۲۷-۵۱.
- پیش قدم، ر.، و وحیدنیا، ف. (۱۳۹۴). کاربردهای «دعا» در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز. *جستارهای زبانی*، ۶(۱)، ۱-۲۳.
- پیش قدم، ر.، و وحیدنیا، ف.، و فیروزیان پوراصفهان، آ. (۱۳۹۳). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۲، ۴۵-۷۲.
- جعفری، ب. (۱۳۷۷). *ترجمه تحف‌العقول*. قم: صدوق.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمانی خلیلی، ا.، ادریسی، ا.، و حسینی امین، ن. (۱۳۹۱). اعتماد اجتماعی، رهاورد هنجارهای دینی و ارزش‌های اخلاقی. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۳(۱)، ۱-۲۳.
- شاکری، م.، برزگر، ک.، و جمشیدی، م. (۱۳۹۸). ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد براساس نظریه داده‌بنیاد. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۸(۷۱)، ۳۹-۵۹.
- طباطبایی، م. (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*. ترجمه محمد محمدی ری‌شهری. قم: الحدیث.
- ظہیری‌نیا، م.، و بهروزیان، ب. (۱۳۹۱). مقایسه عوامل مؤثر در ورود زنان و مردان به دانشگاه. *زن و جامعه*، ۳(۴)، ۶۹-۸۹.
- کوتلاکی، س.، و سعیدی، ز. (۱۳۹۵). ابعاد چند عملکردی آموزش فرهنگ: راهکار عملی و مدل آموزش زبان از منظر منظورشناسی و علم شناخت انسان. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۹(۱)، ۲۵-۴۸.
- معینان، ن. (۱۳۹۲). تحلیل نظریه نسبیت زبانی در پرتو شواهد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۶(۲۱)، ۷۳-۹۹.

نوربالا، ا.، روشن، ر.، فقیه‌زاده، س.، شاکری، ر.، و محمدصالحی، ر. (۱۳۸۶). بررسی سلسله‌مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه شاهد طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰. *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۱۴(۲۲)، ۸۳-۱۰۷.

یوسف‌زاده اربط، ح. (۱۳۹۵). بررسی نقش فرهنگ و زبان در ارتباط میان فرهنگی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۷(۴)، ۸۳-۱۰۴.

- Goffman, E. (1971). *Relations in public*. New York, NY: Harper and Row.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to systemic functional grammar* (2nd Ed.). London, England: Edward Arnold.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London, England: McGraw-Hill
- Hofstede, G. (2001). *Cultures and consequences: Comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations*. California, CA: Sage.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Hymes, D. (1972). Models of the interaction of language and social life. In J. J. Gumperz & D. Hymes (Eds.), *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication* (pp. 35-71). New York, NY: Holt, Rinehart and Winston.
- Keith, K. D. (2011). Introduction to cross-cultural psychology. In K. D. Keith (Ed.), *Cross-cultural psychology: Contemporary themes and perspectives* (pp. 3-19). Malden, MA: Wiley-Blackwell.
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago, CA: University of Chicago Press
- Piaget, J. (1953). *The origins of intelligence in the child*. London, England: Routledge and Kegan Paul.
- Piaget, J. (1959). *The language and thought of the child*. London, England: Routledge and Kegan Paul.
- Pishghadam, R., & Ghahari, S. (2012). *Fundamental concepts in applied linguistics: A reference book*. Tehran: Rahnama.
- Pishghadam, R., Derakhshan, A., & Jannati Ataei, A. (2020). An investigation of the cultuling of "Patriarchy" and attitude toward women in Iranian culture: A comparative case study of Iranian movies across two decades. *Journal of Women in Culture and Arts*, 12(1), 91-115
- Richards, J. C., & Schmitt, R. (2002). *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics* (3rd Ed.). London, England: Pearson Education.
- Saville-Troike, M. (2003). *The ethnography of communication* (3rd Ed.). New York, NY: Blackwell.
- Vygotsky, L. (1978). *Mind in society*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Wardhaugh, R. (2010). *An introduction to sociolinguistics*. Oxford, England: Wiley-Blackwell.
- Yin, R. K. (2010). *Qualitative research from start to finish*. New York, NY: The Guilford Press.

#### درباره نویسندگان

فائزه پوریزدان پناه کرمانی دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی دانشگاه فردوسی مشهد است. حوزه‌های پژوهشی مورد علاقه ایشان آموزش زبان فارسی، فرهنگ و روان‌شناسی زبان است.